



بررسی نقش ادبیات فارسی در حفظ فرهنگ و تمدن اسلامی

نقیسه کبولی

کارشناسی ارشد، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، مرکزی، ایران

چکیده

همواره در طول ادوار تاریخی، بین ادبیات فارسی و فرهنگ و تمدن رابطه ای متقابل و دو سویه وجود داشته است. هدف این پژوهش این است که، نشان دهد ادبیات فارسی جهت درک بهتر جهان لازم است و به نوعی می توان گفت که ادبیات باعث به وجود آمدن تمدن می شود. به جرات می توان که اغلب جوامع، از این قاعده مستثناء نیستند و به نوعی از تاثیرات متقابل ادبیات و تمدن بهره برده اند. یکی از این جوامع ایران بوده است به گونه ای که ادبیات در راستای حفظ اسلام و تمدن اسلامی نقش مهمی داشته است. یافته ها و نتایج پژوهش نشان می دهد که، در بررسی تاثیر گذاری ادبیات فارسی بر فرهنگ و تمدن اسلامی، این دو از هم جدا نیستند و به نوعی نقش تکمیل کننده را برای هم ایفا می کنند. روشی که در این پژوهش استفاده شده است منابع کتابخانه ای است که به تحلیل و توصیف آن پرداخته شده است.

کلید واژه ها: ادبیات فارسی، تمدن اسلامی، فرهنگ



مقدمه

در این پژوهش می‌خواهیم به بررسی نقش ادبیات فارسی بر حفظ فرهنگ و تمدن اسلامی بپردازیم. در راستای این پژوهش سعی شده است که، به سوالات پیش آمده پاسخ داده شود. فرهنگ و تمدن اسلامی چیست؟ آیا زبان فارسی در حفظ فرهنگ و تمدن اسلامی تاثیر داشته است؟ مقالات و کتاب‌های متعددی نزدیک این موضوع نوشته شده است. از میان مقالاتی که به این موضوع نزدیک است می‌توان به مقاله‌ی امیر کلبعلی (با موضوع تاثیر آشنایی با تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی در اتحاد ملی و انسجام اسلامی)، امید نقوی و ابوالقاسم رادفر (راهکارهای استفاده از توانایی بالقوه زبان و ادبیات فارسی در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی طی فرایند جهانی شدن)، اشاره کرد. از میان کتاب‌هایی که به تمدن اسلامی پرداخته شده است و در اینجا استفاده شده است می‌توان به کتاب علی شریعتی اشاره کرد.

اهمیت این مسئله آنجاست که جامعه‌ی ایران در گسترش مذهب اسلام و تمدن اسلامی نقش بسیاری ایفا کرده است. ادبیات؛ یکی دیگر از مولفه‌های تاریخی است که در گسترش اسلام و تمدن نقش داشته است. استفاده از ادبیات فارسی در مراکز فرهنگی، سیاسی و علمی در سرزمین‌هایی نظیر غزنین، ماورالنهر، آسیای صغیر، فارس و ... دیده می‌شود. ریشه‌های نفوذ زبان فارسی و فرهنگ و تمدن اسلامی در این مناطق را می‌توان در میراث فرهنگ ایرانی دانست.

روش تحقیق

در این پژوهش سعی شده است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به توصیف و تحلیل این موضوع بپردازد.

یافته‌ها

تعریف تمدن

تمدن در لغت به معنی شهرنشینی است. این کلمه از ریشه‌ی مدنیت استخراج گشته است و به معنای انس و درآمیختن با شهرنشینی می‌باشد. (کلبعلی، ۱۳۸۶) در زبان لاتین نیز کلمه‌ی "CIVILISATION" به معنای تمدن است. این کلمه از "CIVIL" گرفته شده است که به معنی شهری است. (شریعتی، ۱۳۷۸)

ویل دورانت تایخ نگار آمریکایی درباره‌ی تمدن چنین گفته است: "تمدن نظم اجتماعی است که باعث خلاقیت فرهنگی می‌شود". این نکته حائز اهمیت است که در تاریخ، مسلمانان نقش بسزایی در اشاعه‌ی فرهنگ و تمدن اسلامی داشته‌اند. با گسترش اسلام در ایران نیز، فرهنگ و تمدن ایرانی نیز دستخوش تغییر و تحول گشته‌اند و با فرهنگ و تمدن اسلامی در هم آمیخته گشته است. یکی از مولفه‌هایی که باید برای فرهنگ و گسترش آن در نظر گرفت، ادبیات است. (نقوی و رادفر، ۱۳۹۱)

با استفاده از این مولفه و به نوعی ابزار می‌توان فرهنگ و تمدن اسلامی را حفظ کرد و چه بسا به دیگر جوامع نیز گسترش داد. زبان فارسی یکی از مهم‌ترین زبان‌ها به شمار می‌رود که در حفظ و اشاعه‌ی فرهنگ و تمدن اسلامی نقش مهمی ایفا کرده است. فرهنگ و تمدن اسلامی این گسترش را مدیون جذابیت زبان فارسی است. زیرا زبان فارسی با آن میزان نفوذی که دارد می‌تواند مرزها را در نوردد. البته باید گفت که دانشکده‌های ادبیات فارسی مراکز و موسسات آموزشی



کشور، در جهت پیشرفت این زبان، اقدامی جدی انجام نداده اند. این در حالی است که باید این زبان را به بالاترین میزان مورد توجه قرار داد.

تعریف فرهنگ

فرهنگ به معنای شناسه ی یک قوم که در برگیرنده ی علم و دانش و آگاهی است. علاوه بر آن می توان در ادامه گفت که، فرهنگ شامل: بایست ها، نبایست ها، اعتقادات و هنجارهای یک جامعه است. عناصر دربرگیرنده ی فرهنگ را می توان به موارد زیر خلاصه کرد:

الف: عناصر مرتبط با روابط انسان و طبیعت. ب: عناصری که به روابط انسان ها مرتبط است. (عمید، ۱۳۷۹) ج: عناصری که انسان با ماورالطبیعه در ارتباط است. (توحید فام، ۱۳۸۱)

زبان فارسی

در این قسمت از پژوهش می خواهیم به مقوله ی زبان فارسی بپردازیم. همانطور که می دانیم زبان فارسی شاخص ترین زبان به شمار می رود. با استفاده از این زبان، مسلمانان و ایرانیان آثار علمی و فرهنگی خود را در زمینه های عرفانی و ادبی و... به جهانیان عرضه کردند. آنچه که باعث پویایی و تحرک یک تمدن می شود، زبان آن است که زبان فارسی به خوبی توانسته در بین تمدن های دیگر شناخته شود و جایگاهی بالاتر داشته باشد. (حدادعادل، ۱۳۸۲)

زبان حامل اندیشه و تمدن است. تا هنگامی که درک درستی از زبان نشود، نمی توان تمدن و فرهنگ یک ملت را شناسایی کرد و به دیگران آموخت. پس لازمه ی شناخت تمدن و فرهنگ، زبان است. البته این نکته مهم است که به دلیل روابط ایران با کشورهای دیگر، تمام کتب و آثار های فرهنگی و پزشکی ترجمه گشتند و این امر باعث آن شد که تمدن و فرهنگ اسلامی و ایرانی به دیگر نقاط جهان شناسانده و نفوذ پیدا کند. البته نقش مراکز ترجمه از جمله: بیت الحکمه، جندی شاپور را نباید نادیده گرفت. زیرا این مراکز علم اندوزی، در شکوفایی تمدن اسلامی نقش به سزایی ایفا کرده اند.

تاثیر ادبیات فارسی بر حفظ تمدن اسلامی

در قسمت قبل به این نکته اشاره شد که، ادبیات یکی از مولفه های تمدن به شمار می رود. گفته شد که یکی از این زبان ها، فارسی است. تمدن از آن واژه هایی است که در حوزه ی علوم انسانی مورد بحث و مطالعه بسیار قرار می گیرد. همانطور که می دانیم مسلمانان در گسترش علوم به دیگر مناطق جهان پیشرو بوده اند و همواره در تلاش بوده اند که تمدن اسلامی را بسط دهند. این گسترش تا قبل از دوران معاصر بوده و بعد از آن جامعه ی اسلامی به دلیل دارا بودن رویکرد منفعلانه، از ارائه ی آن به ملل دیگر در سطح جهانی بازمانده است.

از آن جایی که زبان فارسی و فرهنگ و تمدن اسلامی با همدیگر به نوعی گره خورده اند و رابطه ی دوسویه دارند، این امر در همه ی فرهنگ ها مورد مقبولیت قرار گرفته است. برای درک بهتر آن باید گفت که هرچقدر یک فرهنگ و تمدنی گسترش یابد، زبان آن فرهنگ و تمدن نیز گسترش می یابد. زیرا تمدن یک جامعه از طریق زبان است که رشد و نمو پیدا می کند. (سعیدی، ۱۳۹۴)

در این قسمت به تاثیرات مثبت ادبیات فارسی بر حفظ تمدن اسلامی می پردازیم.



تأثیرات مثبت

۱- باید گفت که در زبان و ادبیات فارسی از مفاهیمی استفاده شده است که از اصول و ضروریات جامعه به شمار می رود. یکی از این مفاهیم ارزشمند؛ صلح، عشق و دوستی است. البته مفاهیم دیگری نیز مانند: اخلاق، مدارا کردن و ... برای ترویج این مفاهیم در اشعار شاعران یافت می شود. این ویژگی ارزشمند ادبیات فارسی باعث شده است که از زبان فارسی برای بسط فرهنگ و تمدن اسلامی استفاده شود. البته خوب است بدانید که این امر خود باعث جهانی شدن زبان فارسی می گردد.

۲- یکی از مهم ترین اثراتی که ادبیات فارسی بر حفظ تمدن اسلامی گذاشته این است که؛ مردم از دیرباز به برگزاری و اجرای نقالی، مثنوی خوانی، تعزیه و مراسم های سنتی اهتمام می ورزیدند. این امر نشان از آن است که ادبیات فارسی در حفظ تمدن و سنت های اسلامی و ایرانی تاثیر به سزایی داشته است. (ذوالفقاری، ۱۳۸۵)

۳- از دیگر تاثیراتی که ادبیات فارسی بر تمدن اسلامی دارد، انتقال مفاهیم فکری و عرفانی تمدن است. زبان فارسی از جنبه های بسیار بالایی برخوردار است. به همین دلیل از زبان فارسی جهت انتقال نمودن مفاهیم فکری و عرفانی استفاده می شود.

۴- ادبیات فارسی به دلیل داشتن آهنگ درونی می تواند در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی تاثیر گذار باشد. این ویژگی زبان فارسی باعث می شود که مفاهیم فارسی در حوزه ی تمدن اسلامی برای افراد غیر فارسی زبان، شیرین باشد و نسبت به فراگیری و شناسایی تمدن اسلامی و ایرانی ترغیب شوند. (کزازی، ۱۳۷۶)

البته علاوه بر این نقاط مثبت، نقاط منفی نیز وجود دارد که در مقابل نقاط مثبت ناچیز است ولی باید به آن رسیدگی شود. زیرا این نقاط منفی در مدت کمی قابل حل هستند. از مهم ترین نقاط منفی می توان به عدم گردشگر خارجی جهت بازدید از امکان تاریخی، عدم مدیریت کارآمد، کمبود شاعران نامی و ... که برای رفع این عوامل نیز باید برنامه های بلندمدتی را در نظر گرفت. (کاشیگر، ۱۳۸۱)



نتیجه

با نگاهی کوتاه به مطالب بالا می توان گفت که؛ ادبیات فارسی در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی نقش به سزایی ایفا کرده است. این امر تا جایی است که باعث آن می شود که فرهنگ و تمدن اسلامی در سطح جهانی رسوخ نماید. این نکته حائز اهمیت است که، زبان یک ملت رابطه ی عمیقی با تمدن و فرهنگ آن ملت دارد. یعنی آن که برای آشنایی با تمدن یک ملت، می بایست زبان آن را فراگرفت. البته باید گفت که، تمدن نیز بر زبان یک ملت تاثیر به سزایی دارد و چه بسا که، بر سازوکار آن نیز تغییراتی می گذارد. با توجه به اینکه ادبیات فارسی دارای پیشینه ای بسیار غنی است، در بهترین حالات می تواند تمدن اسلامی را حفظ و گسترش دهد. این امر مرهون ایرانیان است. زیرا خدماتی که ایرانیان نسبت به اسلام و تمدن داشته اند، کم نیست. هرچند که بدلیل مدیریت ناکارآمد و عدم حضور گردشگران خارجی بدلیل کرونا؛ باید سیاست هایی اتخاذ شود که این نقاط ضعف را بهبود ببخشد. این عامل باعث می شود که تمدن اسلامی به وسیله ی زبان فارسی با قدرت بیشتری در عرصه جهانی قدم بردارد.



منابع

- توحیدفام، محمد، ۱۳۸۱، موانع توسعه فرهنگی در ایران، ج اول، تهران: مرکز بازشناسی اسلام در ایران.
- حداد عادل، غلامعلی، ۱۳۸۲، جایگاه زبان و ادب فارسی در فعالیت های فرهنگی کشور، چشم انداز ارتباطات فرهنگی، شماره ۳ صص ۸-۱۴.
- ذوالفقاری، حسن، ۱۳۸۵، سینمای ایران در جهان از نگاه اهالی سینما، نقد سینما، شماره ۳۶، تابستان ۱۳۸۸.
- سعیدی، غلام عباس، ۱۳۹۴، رابطه ی دو سویه ی زبان فارسی و تمدن اسلامی، مجموعه مقاله های دهمین همایش بین المللی ترویج زبان و ادب فارسی، ۴ تا ۶ شهریورماه.
- شریعتی، علی، ۱۳۷۸، تاریخ تمدن، ج ۱، تهران: انتشارات قلم.
- کاشیگر، مدیا، ۱۳۸۱، پایان عصر شاعران بزرگ، روزنامه ایران، شماره ۲۲۱۳، ۲۵ مرداد ۱۳۸۱.
- کزازی، میرجلال الدین، ۱۳۷۶، پرنیان پندار، تهران، روزنه.
- کلبعلی، امیر، ۱۳۸۶، تاثیر آشنایی با تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی در اتحاد ملی و انسجام اسلامی، نشریه تاریخ پژوهی، شماره های ۳۲ و ۳۳، پاییز و زمستان
- نقوی، امید، رادفر، ابوالقاسم، ۱۳۹۱، راهکارهای استفاده از توانایی بالقوه زبان و ادبیات فارسی در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی در طی فرایند جهانی شدن، نشریه مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۸۱